

## نگاه

## جایگزین ناپذیری ظرفیت الگوی بهبودی اقامتی در مان معنادان

نصیر طالبی

■ در طول یک‌دهه گذشته «از ابتدای سال ۸۰ الی ۹۰» در حوزه درمان خودیاری، غیردراری و غیردرمانگاهی سوءمصرف مواد و اعتیاد، موضوع مراکز بهبودی اقامتی با مدیریت شبکه همتایان که تحت عنوان «کمپ و خانه‌های بهبودی» در حال فعالیت هستند، نتایج مثبت و اثربخشی در درمان و بهبودی نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر از معتادان را به همراه داشته است (نسایت سنستاد مورخ ۹۱/۴۱). براساس شواهد موجود، نزدیک به یک‌دهه است که الگوی بهبودی اقامتی رشد کمی قابل توجهی داشته و اثر بخشی و کارآمدی این الگوی بهبودی نیز از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد که بر پایه اصول علمی و دانش و تجربه بومی «پدیرش دولطپایانه بیمار، رویکرد درمان علمی محور، بهره‌گیری از مفاهیم معنوی و دینی، حضور همتایان با حسن سابقه رفتاری و اخلاقی و تجربه مفید – انگیزه فعالیتت عام‌المنفعه و غیرانتفاعی» و با تجارب میدانی چندین ساله در حال رایزه خدمات به گروه‌های هدف از سوءمصرف کنندگان و خانواده‌های آنان هستند، به اثبات رسیده‌است.

از ویژگی‌های منحصربه‌فرد مدل بهبودی اقامتی، پرهیزمدار در مقایسه با دیگر روش‌های درمان اقامتی، دیدگاه مشترک در تئوری‌ها و مفاهیم و انگارهاها (پارادایم) مربوط به تعریف اعتیاد و نوع درمان با روش بهبودی دوازده‌گام است.

از مهم‌ترین اصول مشترک در مفاهیم و فلسفه بهبودی گروه‌های خودیاری دوازده‌گام با مدل بهبودی اقامتی پرهیزمدار، رویکرد معنوی به درمان اعتیاد، اعتقاد به پرهیز کامل، اصل خودیاری و همیاری و اینکه اعتیاد بیماری اولیه است نه ثانویه، اصول و مفاهیم مشترکی که در مدل بهبودی اقامتی پرهیزمدار و گروه‌های دوازده‌گام وجود دارد، فرایند طولانی‌مدت درمان و بازپوری را برای فرد معناد تسهیل و قابل تحمل می‌کند «تقریبا تعداد ۹۵درصد معتادان بعد از خروج از مراکز بهبودی اقامتی جهت تداوم پرهیز و شوقند پاکی خود به گروه‌های دوازده‌گام ارجاع داده می‌شوند و همچنین، تقریبا تعداد ۴۰درصد از معتادان توسط اعضای گروه‌های دوازده‌گام به مراکز بهبودی معرفی می‌شوند.» بدون تردید، حضور و اقامت‌توزمان معتاد در مراکز بهبودی اقامتی دلالت بر این واقعیت غیرقابل انکار دارد که، مدل بهبودی اقامتی پرهیزمدار یک فرصت جدید درمان بومی، ارزان قیمت، قابل دسترسی و فراگیر در در کشور به وجود آورده است. به صورت خلاصه، از میان درمان‌های اقامتی که می‌گفتند حال حاضر در دسترس هستند، روش بهبودی اقامتی پرهیزمدار، به نظر می‌رسد موثرترین روش در نگهداشتن افراد در پرهیز کامل و کم هزینه‌ترین آنهاست. البته این موضوع در سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های درمان سوءمصرف مواد بسیار کلیدی است، که کدام روش درمانی می‌تواند براساس تئیه‌شناسی اعتیاد در یک منطقه جغرافیایی با زمان خاص (هزینه – اثربخش‌تر) یا دارای (هزینه – فایده) بیشتری باشد.

ازبلیه و بررسی تجربه اقدامات موفق چندسال اخیر در حوزه درمان و بازتوانی معتادان در کشور، مبین این واقعیت است که، یکی از موثرترین اقدامات تخصصی درمان و بازتوانی قشرهای مختلف سوءمصرف‌کنندگان و معتادان با توجه به توصیف وضعیت کنونی از شیوع اعتیادبه موادمحرک در بین جمعیت معتادان، بکارگیری و بهره‌مندی از ظرفیت درمان‌های غیردرارویی و غیرکلینیکال همچون گروه‌های خودیار و مراکز بهبودی اقامتی بوده است. امروز بیش از یکپنجاه مرکز بهبودی اقامتی میان مدت با قابلیت و ظرفیت‌های سوءمصرف‌کنندگان مطابق با ضوابط و دستورالعمل سازمان بهزیستی در سطح کشور مشغول به فعالیت هستند. با توجه به فعالیت معتادان در این مراکز در پرهیزمدار به شکل بومی با رویکرد معنوی به درمان اعتیاد و همچنین اثباتش تجربیات میدانی و بالینی از یک‌دهه فعالیت مراکز مزبور در سطح کشور، می‌توان با تهیه و تدوین یک پروتکل درمان با توجه به بعد روحی و معنوی انسان در فرهنگ اسلامی و جامعه ایرانی، از این مدل درمان اقامتی به شکل گسترده و فراگیر در نظام درمان اعتیاد در کشور و به شکل قانونمند، هدفمند و تحت‌نظارت بهره‌برد.

متأسفانه، از آغاز سال‌های جاری به طرق مختلف و با فضالوات‌های غیرمنصفانه و غیرعوقوب‌بیانه، مدل بهبودی اقامتی پرهیزمدار به عنوان طرحی شکست‌خورده و تاریخ‌گذشته یاد شده‌است. براساس نوع اقدامات صورت گرفته از جانب منتقدان مدل بهبودی اقامتی پرهیزمدار به نظر می‌رسد، تلاش در جهت تازکارآمد جلوه‌دادن مدل بهبودی اقامتی پرهیزمدار دو هدف عمدت و مشخص را دنبال می‌کند، یک هدف، عبارت است از ایجاد بدبینی و بی‌اعتمادی نزد مدیران و مسوولان دستگاه‌های متولی و ذی‌ربط و گروه‌های هدف از معتادان و خانواده‌های آنان نسبت به این موضوع که، فعالیت مراکز بهبودی اقامتی میان‌مدت دیگر پاسخشگوی نیازهای درمانی معتادان در کشور نیست و هدف دوم که در واقع اثبات‌کننده چقدرادر بودن هدف اول است؛ زمینه‌سازی و ظرفیت‌سازی و تبلیغ برای اجرا و گسترش دیگر مدل‌های گذشته است که نت‌عناش اثربخشی و کارآمدی آن در کشور به اثبات نرسیده است بلکه، در مقایسه با مدل بهبودی اقامتی پرهیزمدار به مراتب هزینه‌های بیشتری را به فرد معتاد و خانواده معتاد و جامعه تحمیل خواهد کرد.

# جایگاه قانونی و اجتماعی «مهریه» در جامعه ایران

لیسا ایاز: مهریه بر جامعه ایران زاینده فرهنگ سنتنی است. فرهنگی که در آن مهریه تضمین و پشتیبانی برای زن در سر بزنگاه‌های اختلالات و درگیری‌ها می‌شود طی سال‌های اخیر واکنش‌های اجتماعی به افزایش میزان مهریه و تعیین نجومی آن در موارد متعددی با واکنش نهاد‌های قانون‌گذار کشور از جمله مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه مواجه شد. موافقان ورود قانونگذارن به این بحث معتقدند که این دخالت تا حد زیادی می‌تواند آسفتگنی و بی‌قاعدگی بر افزایش و تعیین مهریه‌های نجومی را کنترل کند. اما مخالفان معتقد به سوء استفاده از حریم جامعه و تبعات دخالت قانون بر هنجارهای اجتماعی هستند. بر این اساس شهلا اعزازی و سعید معیدفر دو نفر از جامعه‌شناسان مطرح کشور به همراه کامبیز نوروزی حقوقدان، در میز گرد شرق ابعاد اجتماعی و حقوقی مهریه بر جامعه ایران را بررسی کردند.

■ ■ ■

■ از ابتدا می‌خواهیم موضوع کلی مطرح شدن مهریه را در ازدواج‌های ایرانی مورد بحث‌بگذارم چراکه به اعتقاد قانونگذاران تعیین مهریه به تضمینی برای بنیان خانواده‌است. اما آیا اساس این نوع تفکر درست است در حالی که در تمام دنیا بدون وجود چنین تضمینی ازدواج و طلاق در حال شکل‌گیری است و هیچ‌گاه گروه‌گذاشتن مال یا پول برای ضمانت نسبت به پابندی در زندگی مطرح نمی‌شود؟

شهلا اعزازی: دقیقا صحبت شما تفکری است که در جامعه ایران برای خانواده

وجود دارد اما در ابتدا این یک تفکر سنتنی بود که اصلا با مفهوم امروزی خانواده و این تفکر که با مهریه خانواده را پرابکار بگذارند همخوانی ندارد چراکه با نگاهی به تاریخ ازدواج و خانواده که به تبع آن به وجود می‌آید، می‌بینیم که این روند ناشکال مختلف به خود گرفته که آخرین شکل‌اش بعد از به وجود آمدن جامعه صنعتی بود که یکسری تغییرات را در وضع تولید و در حالت کلی به وجود آورد و ازدواج هم از کنترل خانواده‌ها خارج شد و مفهوم دیگری پیدا کرد چراکه پیش از آن ازدواج، پیوندی بین دو خانواده محسوب می‌شد که ممکن بود دلیل سیاسی داشته باشد. مثلا در اشراف و پادشاهان رخ می‌داد یا دلیل اقتصادی داشت و در میان بزرگان مسلمان اهمیت ویژه‌ای داشت اما برای توده مردم هم مساله اقتصادی اهمیت داشت، اینکه زن چه چیزیه‌ای می‌آورد و حتی روستاییان معتقد بودند زمینی که زن می‌آورد چقدر مرغوب و بااهمیت‌است. بنابراین ازدواج قراردادی بود که مسایل سیاسی و اقتصادی و حتی اجتماعی به همراه داشت. بعد از خروج از زندگی سنتنی به تدریج عشق و علاقه دو طرف اهمیت بیشتری بر این ازدواج پیدا کرد و این مفهوم هم در طول زمان تغییر کرد. یعنی زمانی بود که می‌گفتند آدم عاشق می‌شود و ازدواج می‌کند و به تدریج به جای عشق رمانتیک تفکر دل‌بستگی به خانواده و وجود آمدن خانواده در کنار هم احساس دل‌بستگی کنند نه اینکه مرد خرج زن را بدهد. اما تفکری که امروز در ایران وجود دارد این می‌گوید که یک مرد باید خرج زن را بدهد و ما این موضوع را فقط در مهریه به‌مرتب کرده چراکه وقتی پای همسر دوم و سوم به میان آمد این استدلال عنوان شد که برای زانی که شوهر ن‌دارند مردی باید پیدا شود که خرج‌شان را بدهد.

حتی به زن پول هم این‌گونه القا می‌شود که بخل نداشته باش و بگذاردیگران هم ببینند از این منبع پول و ثروتی که وجود دارد استفاده نکنند بنابراین من معتقدم اصلا نگاه به زن و مرد یا زن و شوهر ننگه‌ای است که با شرایط امروز همخوانی ندارد. در شرایط امروز جوانان شاید بخواهند روی معیارهای دیگری ازدواج کنند. زنان ما در ایران بسیار پیشرفت کرده‌اند من جدیدا سفری داشتم که بعضی از شهرهای ایران و دیدم حتی در شهرستان‌های دوازده‌گانه خانم‌ها در عرصه عمومی به خوبی کار می‌کنند. مردان هم از این کار کردن زنان هیچ ابایی نداشته‌اند چراکه این‌ها با شوهر داشتند و پندر یا برادر. این تفکر محدودی است که می‌گوید زنی که شوهر کرد بهتر است در خانه بنشیند و کار نکند و در مواقع طلاق هم تضمینی ایجاد می‌شود که در اینجا مهریه را مطرح می‌کند.

تعیین درآمدهای کمتر یا غیره در عرصه عمومی از لحاظ کسب درآمد اعمال‌شود تا حد زیادی هم‌چنان وابسته به درآمد یک مرد باشد. این در حالی است که قانون اساسی اصل ۲۸ ما می‌گوید دولت موظف است برای همه افراد کار و شغل مناسب و آنی به وجود آورد وقتی می‌گوییم همه افراد، جوانان و زنان هم در این دسته قرار می‌گیرند یعنی دولت یک وظیفه عمومی نسبت به مردم دارد و اما برای این دلیل که نمی‌تواند یا نمی‌خواهد، این وظیفه و سهولیت عمومی را بر دوش افراد خصوصی می‌اندازد. می‌گوید باید اینک زن طلا را بگذرد دولت برایش کاری فراهم کند یا یک امکاتی که در همه دنیا هم در نظر گرفته می‌شود ایجاد کند روی دوش یک فرد این وظیفه را می‌اندازد. من واقعا در اینجا برای مردان نگرانم و اگر جای مردان بودم بیشتر عصیان‌ی بودم تا زن. از واقع در یک رابطه زناشویی که شاید یک ماه، یک سال یا سالیان سال طول بکشد وقتی کار به جدایی رسید مرد مجبور است به زن پول بدهد بنابراین این وظیفه‌ای است که دولت باید بدهدشارش باشد اما متأسفانه آن را به افراد خصوصی واگذار می‌کند و در اینجا روی دوش خانواده‌ها و در نهایت مرد انداخته‌است.

اعمال می‌کند در شرایطی که هیچ سختی‌ی با ازدواج و خانواده ایرانی نیست. ندارد. راه خودش را می‌رود و تعمیری در ازدواج یا طلاق افراد به وجود نمی‌آورد.

کامبیز نوروزی: اگر موافق باشید ماهیت حقوقی مهریه را ابتدا بررسی کنیم. یک اتفاق خوب جامعه‌شناسی در این مساله هم افتاده که آن هم جایی نیست. ماهیت حقوقی مهریه اصلا ضمانت اجرائی نیست. مهریه مالی است که به مجرد اجرائ صیغه ازدواج به مالکیت زن درمی‌آید. فارغ از هر چیزی که ممکن است باشد از طرف دیگر زن در نظام حقوق و اسلام و ایران در خانواده هیچ وظیفه‌ای بر عهده ندارد و تنها وظیفه‌اش تمکین است که عبارت‌است از پذیرش ایجاد رابطه جنسی با همسر. به تبع این وظیفه یک وظیفه دیگر هم بر عهده زن قرار می‌گیرد و آن این است که باید در محلی که مرد زندگی می‌کند زن آنجا زندگی کند. اما همان‌طور که خاتم دکتر

## زنان

کارشناسان در میزگرد «شرق» بررسی کردند

# جایگاه قانونی و اجتماعی «مهریه» در جامعه ایران



عکس: آرژانتین رهبر شرق

که به نظر من ماده موچه‌ی نبود که امروز در لایحه حمایت از خانواده اضافه شده هم نمی‌توان این مساله را حل کرد، چراکه مشکل از جای دیگر است.

■ از نظر جامعه‌شناسی درمان این بحران به وجود آمده در خانواده ایرانی چیست؟

سعید معیدفر: در جامعه‌شناسی همان‌طور که اشاره کردند جامعه در گذر زمان در روابط خودش نهادهایی را تنظیم و قوانین و هنجارهایی را در نظری می‌گیرد اما به تدریج این جامعه با گذر زمان تغییر می‌کند. معمولا وقتی می‌گوییم مشکل ایجاد شده که تغییری در نهادهای و هنجارهای اجتماعی ایجاد نشده باشد یا برخی بخش‌ها به همان شکل قدیمی خودش‌ان باقی بمانند در حالی که خیلی از چیزها عوض شده‌اند. در بحث مهریه هم همان‌طور که اشاره شد مربوط به دورانی بود که به اعتقاد «راس» جامعه در زمان مبارله بود مبارله کالا یا کالا. این مربوط به زمانی است که نگاه کالایی نسبت به زنان وجود داشته و در آن شرایط هم شاید دلایل خودش را داشت و اساسا بسیاری از آنها جنبه نمادین هم داشتند. در زمانی که مبارله انجام می‌شود چیزی که داده می‌شود به عنوان عوض چیزی هم برایش در نظر می‌گیرند که بیشتر جنبه نمادین دارد و در گذشته مهریه باعث دعوای‌شد می‌.

کامبیز نوروزی: می‌خواهم اینجا به نکته‌ای اشاره کنم. به غیر از مهریه در نظام حقوقی ما بحث دیگری مطرح بوده به نام شیریه‌ها، که اتفاقا این شیریه‌ها پولی بود که بعد از ازدواج خانواده شوهر به خانواده زن می‌دادند که دقیقا مهریه‌ای که در فقه شیعه مطرح است پولش همان ابتدا پرداخت می‌شد ولی منسوخ شد و نظام عرفی ایران خودش این شیوه‌ها را در کنار مهریه ایجاد و در واقع خود جامعه برخی از نظام‌های حقوقی خودش را تعدیل کرد.

سعید معیدفر: پس به حال باید دید که این تفکر و در نظر گرفتن بعد کالایی و اجتماعی و چیزی که در گذشته وجود داشته آیا به حالت قبلی خودش باقی مانده‌است. همان‌طور که اشاره شد دیگر این موضوع جنبه نمادین ندارد بلکه جنبه ضمانت اجرائی بخورد. او حالا می‌خواهد استقلال داشته باشد. از طرف دیگر همین استقلال برای او خرج هم دارد. نگاه گاه که کم‌رشدن است، حتی برای زندگی فکر نمی‌کند. در اینجا‌ست که دچار یک تغییر جدی می‌شود. اینجا باید به این موضوع هم اشاره کنم که در نظام حقوق خانواده و در بحث طلاق زن موضع بسیار ضعیفی دارد. زن برای جدایی از همسرش برای دادگاه باید دلایل متعددی بیاورد که مورد قبول قرار گیرد. البته قضاتی که امروز در دادگاه‌های خانواده هستند افرادی هستند که در این جامعه زندگی می‌کنند و تغییرات فرهنگی هم در آنها تاثیر گذاشته است و آنها تقریبا سخت‌گیری‌ها ۱۰ یا

۱۵ سال پیش را ندارند. بنابراین این مجموعه مسایل عملا مهریه را تبدیل به ضمانت اجرائی کرده‌است و این موضوع حتی در ماهیت حقوقی مهریه نیز تاثیر گذاشته‌است. بنابراین همه آنچه در بحث مهریه تبدیل به معضل شده به خود مهریه مربوط نمی‌شود چراکه اگر چنین بود این مهریه با معنای حقوقی‌اش در ۱۰ سال پیش هم باید باعث مشکل در خانواده می‌شد. اما این است که این تغییرات اجتماعی و در آمدی مهریه را به این وضع درآورده است و بین خانمی که در خانه پدری سنتنی زندگی کرده، وظایف همسری را یاد گرفته، گلدوزی کرده، بچهارای آموخته و در واقع زن خوب و فرامبیز پاراساست، دوگانگی ایجاد شده‌است. این معیارها دیگر برای ارزش‌گذاری زن اعتبار چندانی ندارد. حتی براساس تجربه ثابت شده دیگر در جامع کوچک و روستاها نیز این معیارها ارزشی ندارند. بنابراین مهریه به کیفیت خودش مشکل‌ساز نیست. آنچه مشکل‌ساز است مسایل دیگری است که بر نظام خانواده وارد شده و در این خانواده باعث بحران شده‌است. زن چه زمانی سراغ مهریه می‌رود. شاید یک دره‌زار نفر از خانم‌ها در شرایط عادی زندگی سراغ مهریه برنوند. درحالی که زن زمانی سراغ مهریه می‌رود که بحران یا دعوا پیش آمده یا برای طلاق باشد که با اعمال فشارهایی مرد سربراه شوهد. بنابراین مهریه زمانی مطرح می‌شود که بحران به وجود آمده باشد. آن بحران‌ها را چه کسی ایجاد کرده؟ تا زمانی که این مساله حل نشده باشد با مساله مهریه با هر نظام حقوقی مشکل خواهیم داشت. مثلا در سیستم اروپایی نظام تقسیم مال وجود دارد که زمانی که طلاق اتفاق افتاد به طور خودکار تمام اموال تقسیم می‌شود. فکر می‌کنید آنجا مشکل‌ساز نمی‌شود، دعوا از جای دیگری شروع شده‌است. با وجود این ماده

## گزارش

## گزارشی از مرکز اشتغال زنان بهبودیافته جلوگیری از بازگشت اعتیاد نیازمند حمایت‌های اجتماعی است

مینا عینی‌فر

■ چند چرخ‌خیاطی بزرگ چیده شده در سالن و تعدادی دارقالی در گوشه انتهای آن. تمام ابزار کاری است که در اولین مرکز اشتغال زنان بهبودیافته دیده می‌شود. مسوولان بهزیستی می‌گویند در حال با گناشتن به مرحله مهمی از مقابله با اعتیادند. یعنی حمایت‌های اجتماعی با تاکید بر اشتغال. مرحله‌ای که بعد از پیشگیری و درمان برای ماندگاری معتادان بهبودیافته ضروری است و فاز جدیدی از فعالیت در این حوزه را با شاغلن کردن تعدادی از زنان بهبودیافته شروع کرده‌اند. البته البته آنها می‌گویند حمایت‌ها بیش از این به صورت پراکنده وجود داشته اما بهزیستی در حال تلاش برای متمرکز کردن و هماهنگی این فعالیت‌هاست و اشتغال ۲۳ زن در کارگاه موسسه گلستان نور را نشانه شروع مدلی تازه در حمایت از معتادان بهبودیافته‌می‌دانند.

پله‌هایی که به زیرزمین یک ساختمان کوچک در شرق تهران می‌رود، ورودی کارگاهی است که موسسه برای اشتغال بهبودیافته‌هایش ایجاد کرده اما فضایی که تنها برای ۲۳نفر کافی است و مسوولش می‌گوید اگر حمایت نشوند برای همین تعداد هم نمی‌توانند کاری کنند. معصومه محمدی پنج‌سال است که یک کمپ ترک اعتیاد زان را اداره می‌کند. حالا تصمیم گرفته زمینه کار تعدادی از زنان را در این کارگاه فراهم کند تا آنها بتوانند بهزیست‌مانندگاری‌شان را حفظ کنند. می‌گوید این زنان نیاز دارند در کنار بهبودیافته‌های دیگر کار کنند تا احساس کنند همدردی دارند و وقتی به هم می‌ریزند در جلسه‌ها مشارکت کنند و به وضع عادی برگردند. صاحب کارشان باید کسی باشد که با تمام روحیات آنها آشنا باشد و بهترین شرایط ذهنی آنها را بشناسد. می‌گوید کسی که تجربه کار با آنها را نداشته باشد ممکن است با تغییرات روحی و فراز و فرودهای‌شان کنار نیاید.

معاون پیشگیری و درمان اعتیاد بهزیستی درباره تعداد مراکز اشتغال زنان بهبودیافته به «شرق» می‌گوید: «تعداد این مراکز زیاد نیست. علاوه بر این کارگاه، ساختمانی در شیراز به عنوان کارگاه در اختیار زنان بهبودیافته قرار داده شده و به‌زودی فعالیت خود را کارگاهی مغفارش خیاطی شروع می‌کند. کارگاه‌های اشتغال‌یابی باید فقط در بخش خصوصی ایجاد شوند و بهزیستی از افرادی که اقدام به راه‌اندازی این مراکز می‌کنند حمایت خواهد کرد.» به گفته فرید برای تاکنون فعالیت‌ها در این حوزه پراکنده و بدون برخورداری از اعتبار ویژه صورت گرفته‌است. اما اسامیل برای اولین بار یکمیلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان به حمایت‌های اجتماعی با تاکید بر اشتغال اختصاص پیدا کرده‌است. اشتغال و حمایت‌های اقتصادی تنها بخشی از حمایت‌های لازم بعد از درمان اعتیاد را تشکیل می‌دهند. معاون پیشگیری و درمان اعتیاد بهزیستی می‌گوید ۷۰درصد معتادان در شرایطی به اعتیاد دچار شده‌اند که شافل بودند. بخش مهمی از فرایند بهبودی را حمایت‌های روانشناختی و اجتماعی ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد این حمایت‌ها تنها به فرد مددجو محدود نمی‌ماند و باید به خانواده مددجویان تسری داده شود. چنانکه یکی از زنان شاغل در کارگاه یکی از مشکلاتش را وضعیت روحی فرزندش می‌داند. او درباره شرایط کار در کارگاه به «شرق» می‌گوید: «۱۲ روز است در این مرکز مشغول به کار شده‌ام و هنوز نمی‌دانم شرایط اقتصادی‌اش بهبود پیدا می‌کند یا نه. با چند نفر دیگر امتحان قبایی‌ای داده و بعد از قبولی بیمه شده بیمه بخشی اقتصادی‌هایش را کم کرده‌ام در حال حاضر مشکلات اقتصادی بیشتری فشار را به او وارد کرده و با داشتن چهار فرزند، مهریه و زمانی که زن تقاضا کرد شوهر باید پرداخت کند و مهریه عدلایستاقه هم در زمانی که قدرت پرداخت باشد مرد می‌تواند پرداخت کند. جامعه ایران درباره مهریه خودش مهریه عدلایستاقه را انتخاب کرده و هیچ قانونگذاری در این زمینه هیچ دستوری هم نداده‌است. یعنی در این زمینه پول ملک نیست، تا اواخر سال‌های دهه ۶۰ مهریه پول بود و اما در زمان مشکلات اقتصادی کشور جامعه خودش طلا را به عنوان پول انتخاب کرد. قانونگذار در آن طول سه دهه اخیر تلاش کرد تغییری را در نظم حقوقی خانواده ایجاد کند ولی به جهت ذهنی بودن این راجل‌ها منتج به نتیجه نشده‌است. نمونه‌اش اجرت‌المثل است که براساس آن زن براساس هرکاری که در خانه می‌کند می‌تواند از شوهرش پول بگیرد اما عرف جامعه ایران هیچ‌گاه به این مورد عمل نکرده و با ظلمت می‌گوید در تمام ۱۲۰۰ سال که اسلام وارد ایران شده هیچ‌گاه این مساله در خانواده ایرانی رخ نداده‌است. اما قانونی هست که می‌گوید اگر مرد خواهان طلاق باشد زن می‌تواند اجرت‌المثل دوره‌ای که زندگی کرده است را بخواهد اما در شرایطی که زنان مجبورند برای گرفتن طلاق از مهریه خودش‌ان بگذرند دیگر گرفتن همراه است اما کم‌کم این تغییر نگاه در حال پذیرش از سوی جامعه است. باید توجه داشت که زنان هم مثل مردان ضعیف‌ترند. اگرچه زن‌هایشان تلاش کرده‌اند و ممکن است جایی به‌اشکارسازی به حقوق خود هستند و به جای اینکه مثل گذشته معظف باشند در حال منفعل شدن‌اند. بنابراین وقتی میزان طلاق افزایش می‌یابد، قانونگذار کم‌کم با توجه به آن تغییر نگاه و با مادی شدن و تگرش‌های اقتصادی تاکید روی مهریه را به عنوان یک حق مسلم در نظر می‌گیرد و این زمانی است که دادگاه‌ها در مراجع قضایی و حقوقی با آن رویه‌رو می‌شوند. این زمان است که باید به مهریه تغییر نگاه داشت و راهی دیگر پیدا کرد نه به عنوان برداشت یک مدل غربی بلکه چیزی که با جامعه و شرایط امروز ما همخوانی داشته باشد. به نظر می‌رسد این موضوع مورد توجه مسوولان قرار گرفته و تلاش شده تا این قانون تغییر کند. اما متأسفانه یک برداشت نه‌چندان درست از سوی آقایان با خانم‌ها در